



رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

باسلام و تحیت

پیرو نظریات قبلی، نظر به اینکه مصوبه اخیر مجلس محترم شورای اسلامی در خصوص قانون مجازات اسلامی که بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی با اصلاحاتی به تصویب کمیسیون قضائی و حقوقی رسیده است، در جلسات متعدد شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت، نظر این شورا به شرح زیر اعلام می گردد:

۱- ظهور ماده ۱۴ که دلالت بر این دارد این مجازاتها قابل اعمال بر اشخاص حقوقی نیست، اطلاق آن در مواردی که قتل یا صدمه غیر عمدی مستند و منتسب به اشخاص حقوقی باشد اشکال دارد. البته این مطلب در خصوص مجازات حد و قصاص صحیح می باشد. همچنین تقسیم مجازاتها در این ماده باید به نحوی که در لایحه و ماده ۱۲ قانون فعلی آمده اصلاح شود.

۲- همان اشکال ماده ۱۴ در ماده ۱۹ نیز وجود دارد. همچنین باید منظور از مصادره اموال روشن شود که کل اموال است یا بعضی از آن و در صورتی که تعیین آن به عهده قاضی باشد باید معیار آن با توجه به تناسب جرم و مجازات تعیین گردد و مستثنیات آن نیز مشخص شود.

۳- در ماده ۲۰، مجازات پیش بینی شده برای اشخاص حقوقی نیز باید با توجه به اهمیت و نوع جرم و درجه مجازات درجه بندی شود.

۴- در ماده ۳۶، در تبدیل مجازات رضایت مرتکب به تخفیف و صدق عرفی تخفیف لازم است.

۵- ماده ۶۶، با توجه به مصوبه فعلی موضوع ندارد چنانچه ماده ۲۱۵ با توجه به ایراد معموله به نحو مناسب اصلاح شود اشکال مرتفع می گردد. در غیر این صورت باید عبارت «از شش ماه تا یک سال» به عبارت «از شش ماه تا دو سال» اصلاح گردد.



۶- در ماده ۸۲، همان اشکال ماده ۶۶ وجود دارد.

۷- ماده ۱۰۰ اشکال شرعی دارد، چنانچه به این صورت اصلاح شود اشکال رفع می گردد:
«ماده ۱۰۰- گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می شود که آن شرط محرز شود. همچنین عدول از گذشت، مسموع نیست.
تبصره- تأثیر گذشت قیم اتفاقی، منوط به تأیید دادستانی است که مطابق ماده ۳۵۷ در این امر، دارای اختیار است.»

۸- در ماده ۱۱۳ شمول عبارت «جرایم فوق» بر حد قذف، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۹- ماده ۱۲۸ چون ایهام این را دارد، که معاون شخص مضطر را نیز شامل شود بنابراین اگر ماده به این صورت اصلاح شود ایهام بر طرف می شود:
«ماده ۱۲۸- هرگاه عمل جرم باشد و مرتکب به جہتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جہتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.»

۱۰- ماده ۱۳۱ اشکال دارد، اگر تبصره الحاقی بدین صورت به آن اضافه شود اشکال رفع می گردد:
«ماده ۱۳۱- در جرائم موجب حد، تعدد جرم موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء خواهد شد.

تبصره ۲- در تفخیز و لواط، تنها مجازات اعدام اجرا می شود و در زناى موجب اعدام یا رجم و جلد، تنها اعدام یا رجم، قابل اجرا است.

تبصره ۳- چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجرا می گردد.»

۱۱- ماده ۱۳۴ اشکال دارد، اگر تبصره ای به شرح زیر به آن اضافه شود اشکال مرتفع می شود:



«تبصره_ در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می شود و مجازات تعزیری ساقط گردد؛ مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می شود.»

۱۲_ ماده ۱۶۲ اشکال دارد، اگر به این صورت اصلاح گردد اشکال مرتفع می شود:
«ماده ۱۶۲_ اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات کننده جرم باطل گردد، مانند آن که در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا این که جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب بدنی، جانی یا خسارت مالی شده باشد، کسانی اعم از اداء کننده سوگند، شاکی یا شاهد که ایراد آسیب یا خسارت مذکور، مستند به آنان است، حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می شوند.»

۱۳_ ماده ۱۷۲ اشکال دارد، زیرا در جایی که مرتکب محکوم به رجم شود و موجب اعدام وی نگردد را شامل نمی شود بنابراین اگر ماده به شرح زیر اصلاح شود اشکال بر طرف می گردد:
«ماده ۱۷۲_ انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن موجب رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می گردد.»

۱۴_ ماده ۲۱۵ موجب ازدیاد مدت حبس در بسیاری از قوانین موجود می شود و مخالف با سیاست های کلی نظام در امور قضائی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری است و باید اصلاح گردد.

۱۵_ در ماده ۲۲۵ لازم است حکم زنا محصنه که مجازات آن با جمع شرایط رجم است آورده شود. بدیهی است که حاکم اسلامی می تواند در مورد خاص و بر اساس مصالح اسلام مجازات جایگزین برای آن مقرر نماید.



۱۶- نظر به اینکه حکم مذکور در ماده ۲۲۶ اختصاص به زنا با محارم نسبی ندارد و در زنا محصنه نیز حکم همین می باشد لازم است به این صورت اصلاح گردد:

«ماده ۲۲۶- در زنا با محارم نسبی و زنا محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است.»

۱۷- نظر به اینکه ماده ۲۴۱ ایهام دارد لازم است به شرح زیر اصلاح گردد:

«ماده ۲۴۱- حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق و برای بار دوم علاوه بر محکومیت بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، تا یک سال تبعید نیز محکوم می شود که مدت آن را قاضی مشخص می کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.»

۱۸- اطلاق بند (ب) ماده ۲۸۸ نسبت به مواردی که مرتکب در زمان ارتکاب عمل متوجه یا آگاه نبوده که آن کار موجب جنایت می شود خلاف شرع است چنانچه در انتهای این بند عبارت زیر اضافه شود اشکال رفع می گردد:

«... ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود.»
مضافاً به اینکه تبصره های ۲ و ۳ این ماده نیز مبنیاً بر این امر باید اصلاح شوند.

۱۹- عبارت «مشروط بر این که تفصیر، نوعاً سبب وقوع جنایت نباشد.» در بند (پ) ماده ۲۸۹، دقیق و مانع نیست زیرا صرف نوعاً سبب وقوع جنایت بودن کاری موجب نمی شود که آن کار عمدی باشد بلکه باید توجه مرتکب را نیز به همراه داشته باشد لذا چنانچه عبارت تبدیل شود به «مشروط بر این که تفصیر، نوعاً سبب وقوع آن جنایت یا نظیر آن به گونه ای که جنایت، مشمول تعریف جنایت عمدی شود نباشد.» این اشکال رفع می گردد.

۲۰- در تبصره ماده ۲۹۹ باید کلمه «مقتول» به «مجنی علیه» و کلمه «قاتل» به «مرتکب» تبدیل گردد.

۲۱- ماده ۳۰۰ شفاف نیست برای شفافیت مورد، این ماده به شرح زیر اصلاح شود:

«ماده ۳۰۰- در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی شود:



الف_ مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است،

ب_ مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است، مشروط بر این که جنایت وارد شده بیش از مجازات حدی او نباشد؛ در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد، حسب مورد، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است،

پ_ مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن،

ت_ متجاوز و در حکم متجاوزی که در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۵) این قانون جنایتی بر او وارد شود،

ث_ زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرح مقرر در قانون،

تبصره ۱_ اقدام در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می شود.

تبصره ۲_ در مورد بند (ت) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص، متفی است؛ لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود.»

۲۲_ حذف ماده ۳۰۴ مذکور در مصوبه قبلی اشکال دارد باید ماده مذکور با اصلاحات ذیل آورده شود.

«ماده _ هرگاه مرتکب، مدعی باشد که مجنی علیه، حسب مورد در نفس یا عضو، مشمول ماده ۳۰۰ این قانون است یا وی با چنین اعتقادی، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند. اگر ثابت نشود که مجنی علیه مشمول ماده ۳۰۰ است و نیز ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی، مرتکب جنایت شده است مرتکب، به قصاص محکوم می شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی، دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده ۳۰۰ نباشد مرتکب، علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می شود.»

۲۳_ عموم ماده ۳۰۳ اشکال دارد چنانچه تبصره ای به شرح زیر به آن الحاق گردد اشکال رفع می گردد:

«تبصره_ اگر جنینی به طور طبیعی متولد و جنایت قبل از تولد منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند قصاص ثابت است.»



۲۴- لازم است در ماده ۳۰۴، عبارت «موجب ارتکاب» در قسمت اخیر این ماده به «ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن» تبدیل شود.

۲۵- در ماده ۳۰۸، جانی در فرض اول ماده علاوه بر تعزیر باید به پرداخت دیه نیز محکوم شود لذا عبارت «مرتکب به مجازات تعزیری» به «مرتکب به پرداخت دیه و مجازات تعزیری» تبدیل شود.

۲۶- لازم است ماده ۳۱۰ به این صورت اصلاح گردد:

«ماده ۳۱۰- قسامه عبارت از سوگندهایی است که در صورت فقدان ادله دیگر (غیر از سوگند منکر) و وجود لوث، شاکی برای اثبات جنایت عمدی یا غیر عمدی یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می کند.»

۲۷- نظر به اینکه نصاب قسامه در قتل خطائی در ماده ۳۳۳ و مواد دیگر نیامده است لازم است نصاب آن نیز در بحث دیه ذکر گردد.

۲۸- ماده ۳۴۶ اشکال دارد، و عبارت اخیر آن باید به این صورت اصلاح شود:

«مگر در موردی که ولی دم اعتقاد دارد مرتکب، مشمول موضوع ماده ۳۰۰ این قانون می باشد.»

۲۹- در ماده ۳۶۲ باید عبارت «و وارثان» بعد از عبارت «اولیاء دم» اضافه و کلمه «نفس» پس از عبارت «قصاص نفس» حذف شود.

۳۰- در تبصره ماده ۳۷۰، عبارت «به جهت گذشت یا مصالحه برخی شرکاء»، صحیح نیست و این عبارت باید از آن حذف شود.

۳۱- اطلاق احکام مذکور در قسمتهای اخیر مواد ۳۷۸ و ۳۸۳ خلاف موازین شرع است زیرا در مواردی مانند جنایت بر مهدورالدم نه قصاص ثابت است و نه دیه و نه تعزیر و گاه فقط تعزیر ثابت است؛ لذا عبارت «در غیر این صورت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم (تعزیرات) است» در هر دو ماده باید



به عبارت «در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد.»
تبدیل شود.

۳۲- ماده ۳۸۲ باید به این نحو اصلاح گردد و الا اشکال دارد:

«ماده ۳۸۲- اگر قتل در یکی از ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه) یا در حرم مکه مکرمه، واقع شده باشد یا قاتل در زمان یا مکان مذکور، قصاص گردد و قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه از سوی ولی دم به قاتل باشد، فاضل دیه تغلیظ نمی‌شود. همچنین دیه‌ای که ولی دم به دیگر اولیاء می‌پردازد تغلیظ نمی‌شود لکن اگر قتل در زمان یا مکان مذکور باشد، دیه‌ای که شرکاء قاتل، به علت سهمشان از جنایت، حسب مورد به قصاص شونده یا ولی دم و یا به هردوی آنان می‌پردازند، تغلیظ می‌شود.»

۳۳- در ماده ۳۸۵ دو اشکال وجود دارد:

۱- بر اساس این ماده، ارش نیز مانند دیه بعد از رسیدن به ثلث، تنصیف می‌شود در حالی که ماده ۵۵۶ صراحت دارد که ارش تنصیف نمی‌شود و نظر مقام معظم رهبری نیز، عدم تنصیف ارش است. پس ماده ۳۸۵ باید اصلاح شود و حکم تنصیف در آن مختص به دیه گردد.
۲- در ماده ۳۸۵، ملاک تنصیف، بیشتر شدن از ثلث است در حالی که در ماده ۵۵۴ ملاک، رسیدن به ثلث است و تنصیف شامل فرض ثلث هم می‌شود لذا این دو ماده با هم تهافت دارد.

۳۴- در ذیل ماده ۳۹۰ باید بند (ج) و یک تبصره به شرح زیر اضافه شود و الا اشکال دارد:

«ج- قصاص عضو کامل در مقابل عضو ناقص نباشد.

تبصره- در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او قصاص می‌شود.»

۳۵- در انتهای ماده ۴۰۱ باید عبارت «به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می‌شود» جایگزین عبارت «باید آن را بپردازد» گردد.

۳۶- ماده ۴۱۲ اشکال دارد چنانچه به شرح زیر اصلاح شود اشکال رفع می‌گردد:

«ماده ۴۱۲- اگر دندان مجنی علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه بروید، چیزی برعهده مجنی علیه نیست و اگر گرفتن دیه به جهت عدم امکان قصاص بوده باشد، دیه نیز بازگردانده نمی شود.»

۳۷- ماده ۴۲۲ باید بدین نحو اصلاح شود:

«ماده ۴۲۲- اگر مرتکب عمداً جنایتی بر دیگری وارد کند و دیه جنایت وارد شده بر مجنی علیه بیش از دیه آن در مرتکب باشد مانند آنکه زن مسلمانی مرد مسلمانی را به قتل برساند صاحب حق قصاص نمی تواند افزون بر قصاص، تفاوت دیه را نیز مطالبه کند.»

۳۸- ماده ۴۶۰ باید مطابق ماده ۳۰۵ قانون مجازات فعلی اصلاح گردد.

۳۹- در انتهای ماده ۴۶۳ باید عبارت زیر اضافه شود:

«ماده ۴۶۳- ... لیکن ضامن اتلاف مالی که به طور خطئی تلف شده است نمی باشد.»

۴۰- در ماده ۴۷۴، شمول اطلاق پرداخت دیه از بیت المال به غیر قتل خلاف فتوای مقام معظم رهبری مدظله العالی است باید این ماده اصلاح شود.

«ماده ۴۷۴- در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، در صورت وجود لوث بر برخی از اطراف علم اجمالی، طبق مواد قسامه در این باب، عمل می شود و در صورت عدم وجود لوث، صاحب حق می تواند از متهمین مطالبه سوگند کند اگر همگی سوگند یاد کنند در خصوص قتل دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل، دیه به نسبت مساوی از متهمان دریافت می شود.»

تبصره- هرگاه منشأ علم اجمالی، اقرار متهمان باشد، اولیای دم مخیرند برای دریافت دیه به هر یک از متهمان مراجعه کنند و در این امر تفاوتی بین جنایت عمدی و غیر عمدی و قتل و غیر قتل نیست.»

۴۱- ماده ۴۸۲ مصوبه سابق، مکمل و مبین صورت دیگری است که در ماده ۴۷۴ فعلی نیامده است و می بایست طبق نظر این شورا از ماده مذکور رفع ابهام می شد بنابراین لازم است در این خصوص اقدام گردد.



۴۲_ حذف ماده ۴۸۹ مصوبه قبلی صحیح نبوده و لازم است ایراد این شورا در خصوص ماده مذکور رفع شود چنانچه این ماده به این صورت اصلاح شود اشکال مرتفع می‌گردد:

«ماده ۴۸۹_ هرگاه محکوم به قصاص عضو یا تعزیر یا حد غیر مستوجب سلب حیات در اثر اجرای مجازات کشته شود یا صدمه‌ای بیش از مجازات مورد حکم به او وارد شود، چنانچه قتل یا صدمه، عمدی یا مستند به تقصیر باشد، مجری حکم، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود. در غیر این صورت در مورد قصاص و حد، ضمان منتفی است و در تعزیرات، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

تبصره_ چنانچه ورود آسیب اضافی مستند به محکوم‌علیه باشد ضمان، منتفی است.»

۴۳_ حذف ماده ۴۹۰ مصوبه سابق با توجه به اینکه متعرض فروع جدیدی شده بود وجهی نداشته و می‌بایست ایرادات این شورا در خصوص ماده مذکور رفع می‌گردید چنانچه ماده مذکور با اصلاحات ذیل آورده شود اشکال مرتفع می‌گردد:

«ماده ۴۹۰_ هرگاه پس از اجرای حکم قصاص، حد، یا تعزیر که موجب قتل، یا صدمهٔ بدنی دیگری شده است پرونده در دادگاه صالح طبق مقررات آیین دادرسی، رسیدگی مجدد شده و عدم صحت آن حکم ثابت شود، دادگاه رسیدگی‌کننده مجدد، حکم پرداخت دیه از بیت‌المال را صادر و پرونده را با ذکر مستندات، جهت رسیدگی به مرجع قضایی مربوط ارسال می‌نماید تا طبق مقررات رسیدگی شود. در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکننده حکم قطعی، وی ضامن است و به حکم مرجع مذکور، حسب مورد به قصاص یا تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» و بازگرداندن دیه به بیت‌المال محکوم می‌شود.»

۴۴_ در تبصره ماده ۵۴۹ باید در هر دو مورد عبارات «غروب آفتاب» به عبارت «مغرب شرعی» اصلاح شود.

۴۵_ ماده ۵۸۴ این ابهام را دارد که آیا مراد از «پلک‌های بالا» هر یک از آنهاست یا مجموع دو پلک و کذاک عبارت «پلک‌های پایین»، چنانچه ماده مذکور با اصلاحات ذیل آورده شود ابهام رفع می‌گردد:
«ماده ۵۸۴_ دیه مجموع چهارپلک دوچشم دیه کامل؛ دیه هر یک از پلکهای بالا ثلث دیه کامل و دیه هر یک از پلکهای پایین نصف دیه کامل است.

تبصره_ هرگاه کسی چشم و پلک را یک جا از بین ببرد هر یک دیه جداگانه دارد.»



۴۶- ایراد معموله از سوی این شورا در بند (الف) ماده ۶۶۶ مصوبه اصلی دارای ابهام بوده که باید رفع ابهام می‌شد. و حذف آن اشکال دارد لذا باید پس از رفع ابهام جهت اظهارنظر به این شورا فرستاده شود.

۴۷- ماده ۶۵۷، اشکال دارد با اصلاح به شرح ذیل اشکال مرتفع می‌گردد:
«ماده ۶۵۷- قطع و از بین بردن هر یک از دو طرف اندام تناسلی زن، موجب نصف دبه کامل زن است و قطع و از بین بردن بخشی از آن، به همان نسبت دبه دارد. در این حکم فرقی میان باکره و غیر باکره، خردسال و بزرگسال سالم و معیوب از قبیل رتقاء و قرناء نیست.»

۴۸- اصل ماده ۶۸۹ مصوبه سابق مورد ایراد نبوده و ایراد شورا به وجود تبصره بوده که ظاهراً اشتبهاً ماده و تبصره کلاً حذف گردیده‌اند، باید اصل ماده آورده شود.

۴۹- ماده ۶۹۶ مورد ایراد نبوده و نباید تغییر داده می‌شد و این ماده به صورت جدید واجد اشکال است.

۵۰- حذف مواردی که در بندهای ماده ۷۰۱ و تبصره‌های آن آمده به جزء بند (چ) و همچنین حذف کامل تبصره ۴ ماده که مورد ایراد نبوده لزومی نداشته است. بنابراین موارد مذکور باید به این نحو اصلاح گردد.

۵۱- در تبصره یک ماده ۷۰۲، عبارت «موجب ارش است» صحیح نیست زیرا موارد فرق دارد و گاهی دبه ثابت است. چنانچه این عبارت از تبصره حذف شود اشکال رفع می‌شود.

۵۲- مقرر گردید در همه مواردی که عبارت «سلب حیات» جایگزین کلمه «رجم» شده است، اصلاح گردد.

تذکرات:

۱- در ماده ۴۳ عبارت «اجرای دستورها دادگاه» به عبارت «اجرای دستورهای دادگاه» تبدیل شود.

۲_ نظر به اینکه ماده ۲۲۱ اختصاص به حدود ندارد لذا مناسب است به قسمت کلیات در کتاب اول، بعد از ماده ۱۲ منتقل شود.

۳_ ماده ۲۹۷ به این صورت اصلاح گردد: احکام آمده در مواد ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶ و ۲۹۷ اختصاص به سرایت به نفس ندارد و در مواردی که جنایت یا جنایات ارتكابی به قسمت بیشتری از همان عضو یا اعضای دیگر مجنی علیه سرایت کند نیز جاری است. (به تحریر الوسیله؛ جلد ۲، کتاب القصاص القسم الثانی: فی قصاص مادون نفس و هنا فروع: الثانی مراجعه شود).

_ اگر تبصره ذیل به ماده اضافه شود اشکال رفع می گردد:

«تبصره_ احکام آمده در مواد ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶ و ۲۹۷ در مواردی که جنایت یا جنایات ارتكابی به قسمت بیشتری از همان عضو یا اعضای دیگر مجنی علیه سرایت کند نیز جاری است.»

۴_ مناسب است در ماده ۲۹۸ «اگر مجنی علیه در جنایت واقع شده بر او، به تصور اینکه جنایت وارده، به قتل منجر نمی شود.» به عبارت «اگر مجنی علیه به تصور اینکه جنایت وارده بر او، به قتل منجر نمی شود.» تبدیل گردد.

۵_ مناسب است در ماده ۳۱۷ عبارت «یا ولی او، یا وکل آنها» به عبارت «یا ولی یا وکیل آنها» تبدیل گردد.

۶_ مناسب است در ماده ۳۲۰ عبارت «قسامه بر اثبات» به عبارت «قسامه برای اثبات» تبدیل گردد.

۷_ مناسب است در ماده ۳۲۱ عبارت «تنها یک نفر» به عبارت «تنها یک شخص معین» تبدیل گردد.

۸_ مناسب است در ماده ۳۳۵ عبارت «نداشتن اداء کننده سوگند خورنده» به عبارت «نداشتن سوگند خورنده» تبدیل گردد.

۹_ ماده ۳۵۰ به این صورت اصلاح گردد: «ماده ۳۵۰_ هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند، حق قصاص به ورثه او می رسد؛ حتی اگر همسر مجنی علیه باشد.»

۱۰_ ماده ۳۷۱ به این صورت اصلاح گردد: عبارت «قصاص کند، فاضل دیه» به «قصاص کند و فاضل دیه» تبدیل شود.

۱۱_ در آخر ماده ۴۳۵ تصریح شود که «و حق قصاص عضو برای ورثه جانی، محفوظ است» زیرا ظاهر ماده آن است که این حق زائل می شود و حتی دیه هم ندارد.

۱۲_ مناسب است در ماده ۴۴۹ عبارت «ضمان دارد» به عبارت «ضمان را دارد» تبدیل گردد.

۱۳_ در مواد ۴۵۲ و ۴۵۳، نظر به اینکه بیم آن می رود که عبارت «ادله دیگر» شامل سوگند هم شود بهتر است این ماده همانند ماده ۳۱۰ اصلاح شود.

۱۴_ اطلاق ماده ۴۵۴ صحیح نیست بلکه باید مدعی، مطالبه قسامه کند تا اجرا شود والا دعوا مسکوت خواهد ماند. مناسب است ماده به شکل ذیل اصلاح شود.

«ماده ۴۵۴_ اگر مدعی به ترتیب فوق، اقامه قسامه نکند، می تواند از مدعی علیه، مطالبه قسامه کند و در این صورت مدعی علیه با قسامه تبرئه می شود.»

۱۵_ در ماده ۴۹۰، ماده مرجوع الیه، ۴۸۹ می باشد نه ماده ۴۹۹.

شماره: ۶۲، ۸۰، ۴۸، ۹۱
تاریخ: ۱۳۹۱/۶/۲۶
پوست:
طبقه بندی:


جمهوری اسلامی ایران
بسمه تعالی

شورای نگهبان
قائم مقام دبیر

- ۱۶- در ماده ۴۹۲، کلمه «با» به کلمه «یا» تبدیل گردد.
- ۱۷- مناسب است در ماده ۴۹۹ عبارت «شخص حقیقی یا حقوقی دیگری» به عبارت «شخص حقوقی یا حقیقی دیگری» تبدیل گردد. زیرا قبل از این از این شخص حقوقی سخنی به میان نیامده تا شخص حقوقی دیگری معنا پیدا کند به خلاف شخص حقیقی.
- ۱۸- مناسب است در تبصره ماده ۵۱۳ عبارت «یا بنای» به عبارت «و اگر بنای» تبدیل گردد.
- ۱۹- مناسب است در ماده ۵۳۴ کلمه «کمتر» علامت «>» اضافه گردد.
- ۲۰- مناسب است در ماده ۵۳۷ عبارت «وجود شرایط» به عبارت «وجود مجموع شرایط» تبدیل گردد.
- ۲۱- در ماده ۵۴۸، عبارت «دیه اقلیت‌های دینی» به عبارت «دیه جنایت بر اقلیت‌های دینی» تبدیل گردد.
- ۲۲- در تبصره ۱ ماده ۶۵۵، بعد از کلمه «معیوب» عبارت «یا فاقد بیضه» اضافه شود.

محمد رضا علیزاده

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

